



رئاسة الشؤون الدينية
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

فارسی دری

فارسي دري

العَقِيدَةُ الصَّحِيحَةُ وَمَا يُضَادُّهَا

عقیده درست و نقيض آن



نویسنده جناب شیخ
عبد العزیز بن عبد الله بن باز

العَقِيدَةُ الصَّحِيحَةُ وَمَا يُضَادُّهَا

عقيدة درست و نقیض آن

لِسَمَاحَةِ الشَّيْخِ الْعَلَّامَةِ
عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَازٍ
رَحِمَهُ اللَّهُ

نویسنده جناب شیخ
عبد العزیز بن عبد الله بن باز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله نخست

عقیده درست و نقیض آن

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على من لا نبي بعده، وعلى آله وصحبه.

اما بعد: از آنجایی که عقیده درست و صحیح اساس دین مبین اسلام و پایه دین بوده، لازم دیدم که در باره این موضوع صحبت نموده، و در بیان و توضیح آن به نوشتن و تألیف آن بپردازم. و از دلایل شرعی از قرآن و سنت معلوم است که: اعمال و اقوال در صورتی قابل اعتبار و پذیرش می باشد که از عقیده درست و صحیح سرچشمه گرفته باشد، اما اگر عقیده نادرست باشد پس اعمال و اقوال ناشی از آن نیز باطل می گردد، قسمیکه که الله متعال می فرماید:

﴿...وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ﴾

ترجمه: (و هر که به ایمان (خود یا ارکان ایمان) کفر ورزد؛ البته عمل او تباه شده، و او در آخرت از (جمله) زیانکاران است). [المائدة: ۵].
الله متعال می فرماید:

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَسِرِينَ﴾

ترجمه: (و یقیناً به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی شده

است که اگر شرک ورزی بدون شک عمل تو تباه می‌شود و حتما از زیانکاران خواهی بود). [الزمر: ۶۵].

و آیت‌ها درین معنی زیاد است. کتاب صریح الله متعال و سنت پیامبر امین اش؛ -بهترین درود و سلام بر او و خانواده او باد- بر این دلالت کرده است که عقیده درست در شش امر خلاصه می‌شود، و آن عبارت است از: ایمان به الله، و فرشتگان وی، و کتاب‌های وی، و فرستادگان وی، و روز آخرت، و به تقدیر خیر و شر آن. پس این امور شش گانه پایه عقیده درست می‌باشند، که الله متعال بر آن کتاب خویش را نازل نموده و پیامبر گرامی اش محمد علیه الصلاة والسلام را با آن فرستاده است.

و دلایل فراوانی بر این اصول شش گانه در قرآن و سنت صحیح آمده است، و از جمله آن به طور مثال قرار ذیل است:

اول: دلایل از کتاب؛ از آن جمله این فرموده الله عزوجل است:

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ...﴾

ترجمه: (نیکی (تنها) این نیست که روی خود را به طرف مشرق و یا به طرف مغرب بگردانید، لیکن نیکوکار کسی است که به الله و روز قیامت و فرشتگان و کتاب‌های الله و پیامبران ایمان آورد...). [البقرة: ۱۷۷].

و این قول الله سبحانه و تعالی:

﴿ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ...﴾

ترجمه: (پیامبر به آنچه که به او از طرف پروردگارش نازل شد ایمان آورد، و مؤمنان، همگی به الله و فرشتگان وی و به کتاب‌های وی و به پیامبران وی ایمان آوردند (و گفتند که در ایمان آوردن) در میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌آوریم...). [البقرة: ۲۸۵].
و این قول الله سبحانه و تعالی:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِٱللَّهِ وَرُسُولِهِ ۖ ٱلَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رُسُولِهِ ۖ ٱلَّذِي نَزَّلَ مِن قَبْلُ ۖ وَمَن يَكْفُرْ بِٱللَّهِ وَمَلَٰئِكَتِهِ ۖ وَكُتُبِهِ ۖ وَرُسُلِهِ ۖ ٱلْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٣٦﴾﴾

ترجمه: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به الله و رسول او و به کتابی که بر پیامبرش نازل کرده است، و به کتابی که پیشتر نازل کرده، ایمان محکم و جازم آورید. و هر که به الله و فرشته‌های او و کتاب‌های او و پیامبران او و به روز آخرت کفر ورزد، پس یقیناً به گمراهی دور از حق گمراه شده است). [النساء: ۱۳۶].
و این قول الله سبحانه و تعالی:

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ ۖ إِنَّ ذَٰلِكَ فِى كِتَابٍ ۖ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَىٰ ٱللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧٠﴾﴾

ترجمه: (آیا ندانسته‌ای که الله (همه) آنچه را که در آسمان و زمین است می‌داند، بدون شک تمام اینها در کتاب ثبت و ضبط است. و هرآئینه این کار برای الله آسان است). [الحج: ۷۰].
دوم: دلایل از سنت؛ از جمله آن حدیث صحیح و مشهور است که امام مسلم آن را در صحیح خویش از امیر المومنین عمر بن

الخطاب - رضی الله عنه - روایت کرده است که جبریل علیه السلام در باره ایمان از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید، وی صلی الله علیه وسلم برایش فرمودند: "ایمان عبارت است از اینکه به الله، و فرشتگانش، و کتاب هایش، و رسولانش، و روز آخرت ایمان بیاوری، و به تقدیر خیر و شر آن ایمان داشته باشی".^۱ حدیث، این حدیث را شیخین؛ بخاری و مسلم با اندک تفاوت از حدیث ابو هریره رضی الله عنه تخریج نمودند.

و از این مبانی شش گانه سرچشمه می گیرد: هر آنچه که بالای مسلمان اعتقاد و ایمان به آن در حق الله عزوجل، و در امور بازگشت، و غیره امور غیب واجب می باشد؛ از آنچه که الله عزوجل و رسول گرامی وی صلی الله علیه وسلم از آن خبر داده اند. و شرح این مبانی شش گانه قرار ذیل است:

اصل اول: ایمان به الله متعال

و آن شامل چندین مورد می شود، که عبارتند از: ایمان بر این است که او غیر از همه، معبود بر حق سزاوار پرستش است؛ زیرا او خالق بندگان، نیکی رسان به آنان، روزی رسان آنان، آگاه از همه رازهای آشکار و پنهان شان، و توانا بر پاداش دادن به فرمانبردار و مجازات نافرمانان شان است.

و به تاکید الله متعال که ثقلین (انس و جن) را برای این عبادت آفریده است، و آنان را به آن دستور داده است، طوری که می فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٦٦﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا

^۱ مسلم روایت کرده (۸).

أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ﴿٥٧﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿٥٨﴾

ترجمه: (و من جن و انس را نیا فریدم مگر برای آنکه مرا عبادت کنند ۵۶).

(من از آنها هیچ رزق نمی خواهم. و نمی خواهم که به من طعام دهند. ۵۷)

(چون تنها الله روزی رسان و صاحب قدرت و نیرومند است ۵۸).
[الذاریات: ۵۶-۵۸].

الله متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾﴾

ترجمه: (ای مردم! پروردگارتان را عبادت کنید که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفریده است، تا پرهیزگار شوید ۲۱).

(آن ذاتی که زمین را برایتان فرش و آسمان را سقف قرار داد و از آسمان آب فرستاد و با وسیله آن انواع میوه ها را بیرون آورد تا برای تان روزی باشد، پس برای الله شریکانی مقرر نکنید در حالیکه شما میدانید (که الله شریک ندارد) ۲۲). [البقرة: ۲۱-۲۲].

الله متعال پیامبران را فرستاده و کتاب ها را نازل نموده است: برای بیان نمودن این حق، و دعوت به آن، و از عملکرد خلاف آن هشدار دادند، طوری که می فرمایند:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾

ترجمه: (و به یقین ما در میان هر امتی پیامبری را فرستادیم (تا به مردم بگویند): الله را پرستید و از طاغوت اجتناب ورزید...) [النحل: ۳۶].

الله متعال می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ (۱۵)

ترجمه: (و پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی می فرستادیم که هیچ معبود برحق غیر از من (الله) نیست، لذا تنها مرا عبادت کنید). [الأنبياء: ۲۵].
و او عزوجل می فرماید:

﴿الرَّ كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾ (۱) ﴿أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ﴾ (۲)

ترجمه: _الر (معنای این حروف را الله می داند)، این (قرآن) کتاب است که آیات آن استوار و محکم گردیده، باز از جانب حکیم آگاه به تفصیل بیان شده است (۱).

(اینکه نپرستید مگر الله را، چون من از جانب او برای شما ترساننده و مژده دهنده هستم (۲)). [هود: ۱-۲].

و حقیقت این عبادت: عبارت است از یگانه دانستن الله سبحانه و تعالی در همه انواع عبادات؛ مانند دعا، ترس (خوف)، امید، نماز، روزه، ذبح، نذر و غیر آن از انواع عبادات، که از روی تسلیم شدن به او، علاقمندی به ثواب او، و ترس از عذاب او، با کمال محبت به او، و تذلل به عظمت او انجام شود.

و هر کس در قرآن کریم تأمل نماید، درمی یابد که بیشتر آن در مورد این اصل عظیم نازل گردیده است؛ مانند این قول الله متعال:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۚ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۚ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ۝﴾

ترجمه: (البته ما کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، پس الله را در حالیکه دین خود را برای او خالص گردانده ای، عبادت کن ۲).
(بدان که دین خالص مخصوص الله است و کسانی که به جای او دوستانی گرفته اند (می گویند): ما آنان را عبادت نمی کنیم مگر برای آنکه ما را به الله نزدیک کنند. البته الله میان آنها درباره چیزی که در آن اختلاف می ورزند، فیصله خواهد کرد، یقیناً الله دروغگوی ناشکر را هدایت نمی کند ۳). [الزمر: ۲ - ۳].
وقول الله سبحانه و تعالی:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...﴾

ترجمه: (و پروردگارت حکم کرد که جز او چیزی را عبادت نکنید...)
[الاسراء: ۲۳].

و این قول الله متعال:

﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۚ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۝﴾

ترجمه: (پس الله را بخوانید در حالیکه عبادت و طاعت را برای

او خالص کرده‌اید، هر چند کافران دوست نداشته باشند).
[غافر: ۱۴].

و همچنان هرکس که در سنت نبوی تأمل نماید، اهتمام به این اصل بزرگ را نیز در می‌یابد، و از آن جمله: آنچه در صحیحین از معاذ رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «حق الله بر بندگان اینست که او را بپرستند، و چیزی را با او شریک قرار ندهند»^۱.

و نیز در ایمان به الله متعال درآید: ایمان آوردن به همه‌ی آنچه الله متعال بر بندگانش واجب گردانیده و به آن فرمان داده است؛ از ارکان پنجگانه‌ی آشکار اسلام.

و آن عبارت است از: گواهی دادن به اینکه هیچ معبود برحق جز الله نیست و اینکه محمد فرستاده‌ی الله است، برپا داشتن نماز، پرداخت زکات، روزه ماه رمضان، حج بیت الله الحرام برای کسی که توان رفتن به آن را داشته باشد، و سایر فرایض که شریعت پاک بیان کرده است.

و مهمترین و بزرگترین این ارکان: گواهی دادن بر اینکه نیست معبود برحق جز الله، و اینکه محمد صلی الله علیه وسلم فرستاده الله است، و این گواهی مستلزم: اخلاص عبادت تنها برای الله و نفی آن از غیر اوست، این است معنای: لا اله الا الله، پس معنایش -چنانکه علما رحمهم الله فرموده اند-: نیست معبود برحق جز الله، و بنابر این: هر آن چیزی که جز الله پرستش می‌شود -از قبیل انسان، فرشته، جن و غیره- پس همه آنها به باطل پرستش می‌شود، و معبود برحق تنها الله یگانه است که شریکی ندارد، طوری که او ذات پاکیزه می‌فرماید:

^۱ تخریج امام بخاری (۲۸۵۶)، و امام مسلم (۳۰).

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ...﴾

ترجمه: (این به سبب آن است که الله همان معبود برحق است و آنچه را که به جز او می‌پرستند همه باطل است...) [حج: ۶۲].

طوری که قبلاً توضیح داده شده که: الله متعال دو مخلوق (انس و جن) را برای این اصل آفرید، و به آنها دستور عملی کردن این اصل را داد، و رسولان خود را به آن فرستاده و کتابهای خویش را به آن نازل نمود؛ پس بر بنده لازم است تا در این مورد به خوبی بیندیشد و بسیار تدبر نماید؛ تا برایش روشن گردد که بسیاری از مسلمانان از این اصل در غفلت بزرگ قرار دارند، به اندازه که با الله متعال دیگران را پرستش نمودند، و حق ویژه او را به دیگران صرف نمودند، الله المستعان.

از جمله ایمان به الله سبحانه؛ ایمان بر این است که او تعالی آفریننده جهان و مدبر کارهای عالمیان است، و به علم و قدرت خویش به هر شکلی که بخواهد در امور ایشان تصرف می‌کند، و او تعالی مالک دنیا و آخرت، و پروردگار همه عالمیان است، جز او خالق و پروردگاری دیگری وجود ندارد، و اینکه او فرستاد پیامبران را و فرود آورد کتاب‌ها را؛ تا اصلاح کند بندگان را و دعوتشان کند به سوی آنچه که در آن نجاتشان و صلاحشان در دنیا و آخرت است. و او ذات پاک در همه اینها شریک ندارد، الله متعال می‌فرماید:

﴿اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿٦٢﴾﴾

ترجمه: (الله آفریننده همه چیز است و او بر همه چیز وکیل و نگهبان است). [الزمر: ۶۲].
الله متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُعْطِي السَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾﴾

ترجمه: (یقیناً پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش قرار گرفت، شب را به روز می‌پوشاند که به شتاب روز را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان در فرمان او مسخر هستند. آگاه باشید! که آفرینش و فرمانروایی تنها برای الله است. الله بزرگوار و نهایت بزرگ و با برکت است، (چون او) پروردگار جهانیان است). [اعراف: ۵۴].

و از جمله ایمان به الله متعال: ایمان به نامهای نیکو و صفات والای او که در کتاب باعزت او آمده، و از رسول امانتدار او ثابت شده است، بدون تحریف و تعطیل و بدون تکلیف و تمثیل،

﴿...لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾

ترجمه: (هیچ چیزی مانند او نیست و او شنوای بیناست). [الشوری: ۱۱].

پس واجب است به آن شکلی که آمده گذاشته شود بدون بیان کردن کیفیت آن، با اینکه ایمان داشته باشیم به آن معانی بزرگی که عبارت از صفات الله متعال است، و واجب است توصیف کردن وی طوری که شایسته آن است، بدون اینکه در صفات اش با مخلوق شباهت داده شود، طوری که می‌فرماید: و او تعالی می‌فرماید

﴿فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧٦﴾﴾

ترجمه: (پس برای الله امثال (مانندها) قرار ندهید (مخلوق را به او تشبیه نکنید)، بی گمان الله می داند و شما نمی دانید). [النحل: ۷۴].
و این است: عقیده اهل سنت و الجماعت از یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم و کسانی که به نیکی پیروی ایشان نموده اند؛ در اسماء و صفات الله، و این همان عقیده است که امام أبو الحسن الأشعری رحمه الله در کتاب «المقالات» از اصحاب حدیث و اهل سنت نقل نموده، و غیر از او دیگران از اهل علم و ایمان نیز روایت نموده اند.
اوزاعی رحمه الله میفرماید: از زهری و مکحول در باره آیت های صفات پرسیده شد، آنها گفتند: همانطوری که آمده بگذارید.^۱
اوزاعی رحمه الله همچنان می گوید: (ما و تابعین فراوان می گفتیم؛ الله پاک بر عرش مستوی است، و ایمان داریم بر آنچه که پیرامون صفات در سنت آمده است).^۲

ولید بن مسلم رحمه الله می فرماید: از مالک و اوزاعی و لیث بن سعد و سفیان الثوری رحمهم الله در مورد خبرهای که در باره صفات آمده پرسیده شد؛ پس همه آنها گفتند: همانطوری که آمده اند بگذارید؛ بلا کیف (یعنی بدون اینکه کیفیت آن بیان شود).^۳
و هنگامی که از ربیعہ بن ابی عبد الرحمن؛ شیخ مالک رحمهما الله در باره استوا پرسیده شد گفت: استوا مجهول (نامعلوم) نیست، و

^۱ لالکائی در شرح أصول الاعتقاد (۷۳۵)، و ابن عبد البر در جامع العلم وفضله (۱۸۰۱) روایت نموده اند، لیکن با لفظ الأحادیث به جای آیات الصفات، و لفظ آن: "این احادیث را چنانکه آمده است روایت کنید و در آن مناظره نکنید".

^۲ بیهقی در الأسماء والصفات (۸۶۵) روایت نموده است، و ابن تیمیہ در الحمویہ (ص: ۲۶۹) اسناد آنرا تصحیح نموده، و ذهبی در العرض (۲۲۳/۲) فرموده: راویان آن امامان ثقة اند.

^۳ تخریج اللالکائی در شرح أصول الاعتقاد (۹۳۰)، و بیهقی در الأسماء والصفات (۹۵۵).

کیفیت غیر معقول است، و از طرف الله پیام است و بالای رسول رساندن آشکار و بالای ما تصدیق کردن آن است،^۱ و هنگامی که از امام مالک رحمه الله درباره آن پرسیده شد گفت: (استواء معلوم است و چگونگی آن نامعلوم است، و ایمان آوردن به آن واجب، و پرسش درباره‌ی آن بدعت است) سپس به آن پرسش کننده فرمود: تو را جز مردی بدکار نمی‌بینم! و دستور داد تا او را اخراج کنند.^۲ و این معنا نیز از ام المومنین أم سلمه رضی الله عنها روایت شده است.^۳

و امام ابو عبدالرحمن بن مبارک رحمه الله فرمود: «ما پروردگار منزله خویش را می‌داند که بر فراز آسمانهایش بر عرش قرار دارد و از مخلوق اش متمایز است».^۴

و سخنان علما و امامان درین باب زیاد است که در یک نشست بیان کردن آن ناممکن است، علاقمندان می‌توانند به نوشته‌های علمای اهل سنت درین باب مراجعه نمایند، مانند کتاب: (السنه) از عبد الله ابن امام احمد، و کتاب (التوحید) از امام جلیل القدر محمد بن خزیمه و کتاب (السنه) از ابو القاسم اللالكائی الطبری، و کتاب (السنه) از ابو بکر بن أبی عاصم، و پاسخ شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله برای باشندگان حمه، که او یک پاسخ فوق العاده بود؛ او در آن عقیده اهل سنت را وضاحت داده، و بسیاری از سخنان ایشان را در

^۱ تخریج لالکائی در شرح أصول الاعتقاد (۶۶۵)، و بیهقی در الأسماء والصفات (۸۶۸).

^۲ تخریج اللالكائی در شرح اصول الاعتقاد (۶۶۴)، و ابو نعیم در حلیۃ الاولیاء (۶/۳۲۵)، و البیهقی در الأسماء والصفات (۸۶۷).

^۳ المزکی در المزکیات (۲۹)، و ابن بطه در الابانة (۱۲۰)، و اللالكائی در شرح اصول الاعتقاد (۶۶۳) روایت نموده است.

^۴ الدارمی در الرد علی الجهمیة (۶۷)، و البیهقی در الأسماء والصفات (۹۰۳) روایت نموده است.

آن نقل نموده است، علاوه بر دلایل شرعی و عقلی که بر درست بودن فرموده های اهل سنت و باطل بودن سخنان مخالفان شان دلالت می کند.

و به همین ترتیب رساله او به نام التدمریه که در آن موضوع را به تفصیل وضاحت داده و با دلایل نقلی و عقلی و رد کردن بالای مخالفین؛ به گونه که حق را آشکار و باطل را نابود بسازد، برای هر کسی که از اهل علم دید حق بینانه داشته باشد، و علاقمندی شناخت حق را داشته باشد، عقیده اهل سنت را بیان نموده است. پس خلاصه‌ی سخن: باور اهل سنت و جماعت در باب نام‌ها و صفات [الهی]، این است که آنان برای الله سبحانه آنچه را که او در کتابش برای خود ثابت نموده، یا پیامبرش محمد ﷺ در سنت خویش برای او ثابت کرده، اثبات می‌کنند، اثبات بی‌هیچ همانندسازی [با مخلوقات]؛ و او را سبحانه از هر گونه همانندی با آفریدگانش مبرا می‌دانند، تزیینی پاک و بی‌غبار از تعطیل [و انکار صفات]؛ پس رستگار شدند به سلامت از تناقض و ناسازگاری. و بر همه دلایل عمل نمودند؛ به توفیق الهی؛ زیرا دستور الهی در برابر کسی که بر حق چنگ زند که رسولانش را با آن فرستاده است، و در آن راه تلاش نماید، و در طلب آن برای الله مخلص باشد؛ این است که او را به دریافتن حق پیروز می‌سازد و حجت او را نیز پیروز می‌گرداند، طوری که او تعالی فرموده است:

﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ...﴾

ترجمه: (بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم، پس آن را می‌شکنند و سرکوب می‌کند، پس ناگهان باطل محو و نابود می‌شود...) [الانبیاء: ۱۸].

الله متعال می فرماید:

﴿وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾

ترجمه: (و (کافران) نزد تو هیچ مثلی نمی آورند، مگر این که ما (جواب) برحق و نیکتر از روی تفسیر برایت می آوریم).
[الفرقان: ۳۳].

و اما کسی که با اهل سنت در آنچه در باب اسماء و صفات عقیده دارند مخالفت می ورزد، بدون شک در مخالفت با دلایل نقلی و عقلی، همراه با تناقض آشکار در هر آنچه که ثابت و یا نفی می کند، واقع می شود. حافظ ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر مشهور خود، در باره این فرموده الله عز وجل، سخن نیکویی در این مورد گفته است:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...﴾

ترجمه: (یقیناً پروردگار شما الله است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش قرار گرفت...). [اعراف آیه: ۵۴].
و نظر به فایده بزرگ آن، خوب است که در اینجا نقل گردد؛ چنانکه رحمه الله می فرماید:

مردم درین مورد نوشته های خیلی زیادی دارند که ما نمی توانیم از همه آن درینجا یاد آور شویم، ولی ما از عقاید سلف صالح پیروی می کنیم: مالک، و اوزاعی، و ثوری، و لیث بن سعد، و شافعی، و احمد بن حنبل، و اسحاق بن راهویه، و غیر از این ها از ائمه مسلمانان در گذشته و امروز، و آن این است که: باید بدون بیان نمودن کیفیت، تشبیه کردن آن به صفات مخلوقات و انکار نمودن از معانی آن؛ به

گونه بی که آمده باید گذاشته شود، و آنچه به ذهن و فکر تشبیه کننده گان خطور می کند، از الله متعال منتفی است، چون الله متعال با هیچ چیزی از مخلوقات خود مشابهت ندارد و

(...لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ)

ترجمه: (... هیچ چیزی مانند او نیست و او شنوای بیناست). [الشوری: ۱۱]. بلکه امر چنان است که ائمه فرموده اند، -از جمله نعیم بن حماد الخزاعی شیخ بخاری فرموده است: (کسی که الله را به مخلوقش تشبیه کند، کفر ورزیده است، و کسی که از آنچه الله خود را به آن توصیف نموده انکار کند، پس کفر ورزیده است)^۱، و آنچه الله خود را به آن توصیف نموده و یا پیامبرش او را به آن توصیف نموده است در آن هیچ تشبیهی وجود ندارد، پس کسی که الله را - به آنچه در آیت های واضح و روایت های صحیح طوری که سزاوار ذات او تعالی است توصیف نموده و همه کاستی ها را از الله نفی نموده؛ در حقیقت - راه درست را پیموده است^۲. کلام ابن کثیر رحمه الله تمام شد.

و همچنان ایمان به الله شامل این باور می شود که: ایمان عبارت از گفتار و عمل است، که به پیروی زیاد و به نافرمانی کم می شود، و اینکه برای هیچ یکی از مسلمانان جایز نیست در نتیجه ارتکاب گناهانی که پایانتز از شرک و کفر باشد کسی را تکفیر کنند؛ مانند: زنا، سرقت، سود خوری، نوشیدن مواد نشه آور، نافرمانی والدین و غیر آن

^۱ تخریج ذهبی در العلو (۴۶۴)، و ألبانی در مختصر العلو (ص: ۱۸۴) فرموده: این اسناد صحیح است، راویان آن ثقات و معروف هستند.

^۲ تفسیر ابن کثیر (۳/۴۲۶، ۴۲۷).

از گناهان کبیره تا اینکه آن را حلال نشمارند، الله متعال فرموده اند:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾

ترجمه: (البته الله نمی‌بخشد این را که با او چیزی شریک قرار داده شود، و غیر از آن (شرک) را، برای کسی بخواهد می‌بخشد...) [النساء: ۴۸]. و به استناد احادیث متواتره از رسول الله صلی الله علیه وسلم، از آن جمله فرموده ایشان: «الله متعال هر آن کسی را از آتش بیرون می‌سازد که در قلب وی به اندازه دانه خردل ایمان باشد»^۱.

اصل دوم: ایمان به فرشتگان

و آن دو مورد را دربر می‌گیرد: مورد اول: ایمان به فرشتگان به طور مختصر؛ و آن این است که ایمان داشته باشیم که الله را فرشتگانی است، آنها را برای عبادت خویش آفریده است، و آنان را چنین ستوده است که:

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَنَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿۳۶﴾ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿۳۷﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿۳۸﴾﴾

ترجمه: (و (مشرکان) گفتند: پروردگار رحمن (برای خود از فرشته‌ها) فرزند گرفته است! او پاک و منزّه است. بلکه آنها (فرشته‌ها) بندگان والا قدرهستند (۲۶).

(در سخن گفتن از او پیشی نمی‌کنند، و آنان به حکم وی کار می‌کنند (۲۷)).

^۱ بخاری (۲۲)، از حدیث ابی سعید الخدری رضی الله عنه نقل نموده است.

(الله حال و اعمال گذشته و حال و اعمال آینده ایشان را می‌داند، و شفاعت نمی‌کنند مگر برای کسی که (الله) رضایت داده باشد. و آنان از بیم او ترسانند ۲۸). [الانبیاء: ۲۶-۲۸].

و آنها اقسام متعددی اند، برخی از آنها وظیفه حمل عرش الله را دارند، و برخی از آنها نگهبانان بهشت و دوزخ هستند، و برخی از آنها به حفظ و ثبت اعمال بندگان مکلف اند. مورد دوم: ایمان به فرشتگان به طور تفصیلی؛ و آن عبارت است از ایمان آوردن به فرشتگانی که الله و رسولش آنان را نام برده اند، مانند جبرئیل که موکل وحی است، میکائیل که موکل باران است، مالک که نگهبان دوزخ است، و اسرافیل که موکل دمیدن در صور است. چنانکه ذکر آنها در احادیث صحیح آمده است، از آن جمله: روایت ثابت در صحیح از عائشه رضی الله عنها که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: "فرشتگان از نور (روشنایی) آفریده شده اند، و جن از شعله آتش که با دود مخلوط باشد، آفریده شده، و آدم علیه السلام از آنچه برای شما بیان گردیده است آفریده شد".^۱ مسلم در صحیح خود روایت نموده.

اصل سوم: ایمان به کتاب ها، که آن نیز متضمن دو مورد می باشد:

مورد اول: ایمان به کتاب ها اجمالاً؛ و آن این است که الله متعال کتاب های را بر انبیا و رسولان خویش برای بیان کردن حق و دعوت به آن نازل نموده است، طوری که او تعالی فرموده است:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ

^۱ تخریج مسلم (۲۹۹۶)، از حدیث عایشه رضی الله عنها.

الْأَنسُ بِالْقِسْطِ...﴾

ترجمه: (البته ما پیامبران خود را با دلایل واضح فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم در میان خود عدالت را قایم کنند...) [الحديد: ۲۵]. الله متعال می فرماید:

﴿كَانَ الْأَنسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ الْأَنسِ فِيمَا اُخْتَلَفُوا فِيهِ...﴾

ترجمه: (مردم) (در آغاز) امت واحد بودند، پس الله پیامبران مژده دهنده و بیم دهنده را فرستاد، و با آنها کتاب را (به حق) نازل کرد تا در میان مردم در آنچه اختلاف کردند به حق حکم کنند... [البقره: ۲۱۳].

مورد دوم: ایمان به کتاب ها به شکل تفصیلی؛ و آن این است که به آنچه الله متعال از آن نام برده است ایمان بیاوریم؛ مانند تورات، انجیل، زبور و قرآن، و اعتقاد داشته باشیم که قرآن بهترین، پایانی، غالب بر آنها و تصدیق کننده آنها است، و اینکه بر همه امت پیروی و حاکمیت آن واجب است؛ با آنچه که از پیامبر ﷺ از سنت صحیحه ثابت گردیده است؛ چون الله سبحانه پیامبرش محمد ﷺ را برای همه ثقلین فرستاده است، و این قرآن را بر وی نازل نموده است؛ تا با آن در میان شان داوری کند، و آن را شفای آنچه در سینه هاست، و بیانگر هر چیز، و مایه هدایت و رحمت برای مؤمنان قرار داده است، طوری که او تعالی می فرماید:

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۱۵۵﴾﴾

ترجمه: (و این (قرآن) کتاب است که بابرکت آن را نازل کرده ایم،

پس آن را پیروی کنید، و تقوی پیشه کنید. تا مستحق رحمت (الله) گردید (۱۵۵). [الانعام: ۱۵۵]. الله سبحانه و تعالی فرموده اند:

﴿...وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾

ترجمه: (و کتاب را (به تدریج) بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیز و وسیله هدایت و رحمت (است). و بشارتی است برای مسلمانان). [النحل: ۸۹]. الله متعال می فرماید:

﴿قُلْ يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ
وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي
يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَتِهِ ۖ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۵۸﴾﴾

ترجمه: (ای پیامبر!) بگو: ای مردم (جهان)، من فرستاده الله به سوی همه شما هستم، آن پروردگاری که سلطنت آسمانها و زمین خاص اوست. و هیچ معبودی برحق جز او نیست، زنده می کند و می میراند. پس به الله و رسول عالیقدر او، که ناخوان است و به الله و سخنهای او ایمان دارد، ایمان بیاورید و از او پیروی کنید، تا هدایت شوید). [الأعراف: ۱۵۸]. و آیات درین معنا زیاد است.

اصل چهارم: ایمان به پیامبران

و آن همچنان دو مورد را دربر می گیرد: مورد اول: ایمان اجمالی به رسولان، و آن این است که ایمان بیاوریم که الله متعال برای بندگانش از جنس خودشان پیامبران - مژده دهنده و بیم دهنده و دعوت کننده به سوی حق - فرستاده است، پس هر که آنها را اجابت نمود به

سعادت و نیک بختی نایل گردید، و هر که مخالفت آنها را کرد ذلیل و نا امید می شود، و آخرین و بهترین آنها؛ پیامبر ما محمد بن عبد الله - صلی الله علیه وسلم - است، طوری که الله متعال فرموده است:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾

ترجمه: (و به یقین ما در میان هر امتی پیامبری را فرستادیم (تا به مردم بگوید): الله را پرستید و از طاغوت اجتناب ورزید...) [النحل: ۳۶]. الله متعال می فرماید:

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ...﴾

ترجمه: (پیامبران را (فرستادیم) که مژده دهنده و بیم دهنده بودند، تا بعد از آمدن پیامبران برای مردم در برابر الله دلیلی (بهانه ای) نباشد...) [النساء: ۱۶۵]. الله متعال می فرماید:

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ...﴾

ترجمه: (محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست بلکه فرستاده الله و خاتم پیامبران است...) [الأحزاب: ۴۰].

مورد دوم: ایمان به رسولان به طور تفصیلی؛ و آن این است که به طور تفصیلی و مشخص به کسانی از آنان ایمان بیاوریم که الله متعال نامشان را یاد نموده است یا نام بردن شان از رسول الله ﷺ ثابت شده است؛ مانند نوح، هود، صالح، ابراهیم و دیگران، درود و سلام الله بر آنان و بر آل و پیروانشان باد.

اصل پنجم: ایمان به روز آخرت

و آن شامل:

ایمان به هر آنچه الله و پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - از آن خبر داده اند از آنچه بعد از مرگ واقع می شود؛ مانند امتحان قبر، عذاب و نعمت آن، و آنچه در روز قیامت از هراس ها، سختی ها، صراط، ترازوی اعمال، حساب، پاداش، و نشر عملنامه ها بین مردم واقع می گردد؛ سپس برخی عملنامه خویش را به دست راست، و دیگران بدست چپ و یا از پشت سر می گیرند.

و همچنان شامل آن می شود: ایمان به حوض که برای پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم ثابت است و ایمان به بهشت و آتش (دوزخ)، و دیدار پروردگار متعال از سوی مومنان، و سخن گفتن شان با آنان، و غیر از آن چیزهای که در قران کریم و سنت صحیحہ رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده است؛ پس بر بنده ایمان به همه آن واجب است، و تصدیق کردن آن لازم است به گونه که الله متعال و پیامبرش صلی الله علیه وسلم آنرا بیان نمودند.

اصل ششم: ایمان به قدر

و ایمان شامل چهار موارد می شود:

مورد نخست: ایمان به اینکه الله متعال می داند آنچه در گذشته اتفاق افتیده و خواهد افتید، و حال بندگان، و ارزاق، اجل و اعمال ایشان، و دیگر امور ایشان را می داند، پس هیچ چیزی از اینها بر او متعال پوشیده نیست، طوری که او تعالی فرموده است:

﴿...وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

ترجمه: (و بدانید که الله به هر چیز داناست). [البقره: ۲۳۱]. و او عزوجل می فرماید:

﴿...لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾

ترجمه: (...تا بدانید که الله بر هر کاری قادر است و علم او همه چیز را احاطه کرده است). [الطلاق: ۱۲].
مورد دوم: ایمان بر اینکه الله متعال هر آنچه را که فیصله نموده و مقدر ساخته است نوشته است؛ طوری که او تعالی فرموده اند:

﴿قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ ﴿٤﴾﴾

ترجمه: (یقیناً هر چه را که زمین از آنان می‌کاهد، می‌دانیم. و نزد ما کتابی است (که همه چیز را در خود) حفظ می‌کند). [ق: ۴]. الله متعال می‌فرماید:

﴿...وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ﴾

ترجمه: (و همه چیز را در کتاب که پیشوای روشن‌گر است ضبط کرده‌ایم). [یس: ۱۲]. الله متعال می‌فرماید:

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧٠﴾﴾

ترجمه: (آیا ندانسته‌ای که الله (همه) آنچه را که در آسمان و زمین است می‌داند، بدون شک تمام اینها در کتاب ثبت و ضبط است. و البته این کار برای الله آسان است). [الحج: ۷۰].

مورد سوم: ایمان بر خواست نافذ‌ه الله تعالی؛ پس آنچه را که بخواهد می‌شود و آنچه را که نخواهد نمی‌شود، طوری که او سبحانه

و تعالی فرموده اند:

﴿...إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾

ترجمه: (بی گمان الله هر چه بخواهد انجام می دهد). [الحج: ۱۸].
و او عزوجل می فرماید:

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (۸۲)

ترجمه: (هرگاه الله آفریدن چیزی را بخواهد کار او تنها این است که به او می گوید: موجود شو، پس بی درنگ موجود می شود). [یس: ۸۲].
الله سبحانه و تعالی فرموده اند:

﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (۲۹)

ترجمه: (و شما چیزی را نمی خواهید مگر آن که الله، پروردگار جهانیان آن را بخواهد). [التکویر: ۲۹].

مورد چهارم: ایمان به آفرینش الله متعال همه ای موجودات را؛ هیچ آفریننده و هیچ پروردگار جز او نیست؛ طوری که می فرماید:

﴿اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ (۶۲)

ترجمه: (الله آفریننده همه چیز است و او بر همه چیز وکیل و نگهبان است). [الزمر: ۶۲]. الله متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنْتُمْ تُؤْفَكُونَ﴾ (۳)

ترجمه: (ای مردم! نعمت الله را بر خود یاد کنید، آیا آفریدگاری

جز الله وجود دارد که به شما از آسمان و زمین روزی بدهد؟ جز او معبود بر حق وجود ندارد، پس با این حال چگونه (از حق) برگردانیده می‌شوید). [فاطر: ۳].

پس ایمان به تقدیر، چنانکه عقیده اهل سنت و جماعت است، شامل ایمان بر همه این چهار امور می‌شود؛ بر خلاف برخی از اهل بدعت که قسمتی از آن را انکار نمودند.

و از جمله امور مهم در عقیده درست که اهل سنت به آن عقیده دارند: محبت کردن برای الله و نفرت کردن برای الله، و دوستی برای الله و دشمنی برای الله است، و این همان عقیده دوستی و دشمنی است، و این از جمله ایمان بر الله تعالی می‌باشد.

پس مومن با مومنان محبت می‌ورزد و با ایشان دوستی می‌کند، و کافران را بد می‌پندارد و با ایشان دشمنی می‌کند، و در راس مومنان از این امت صحابه پیامبر ﷺ هستند، چنانکه نزد اهل سنت و جماعت ثابت است؛ پس آنها با ایشان محبت می‌کنند و ایشان را دوست دارند، و باور دارند که آنها بهترین انسانها بعد از پیامبران هستند، نظر به فرموده پیامبر ﷺ: «بهترین قرن، قرن من است، سپس آنان که پس از آنانند، سپس آنان که پس از آنانند»^۱ بر صحت این حدیث (بخاری و مسلم) اتفاق نمودند

و باور دارند که بهترین ایشان عبارتند از: ابوبکر صدیق، سپس عمر فاروق، سپس عثمان ذو النورین، سپس علی مرتضی رضی الله عنهم اجمعین، سپس بعد از آنها باقیمانده ده نفر، سپس باقیمانده صحابه رضی الله عنهم اجمعین، و پرهیز می‌کنند از (سخن گفتن در باره) آنچه که بین ایشان -یعنی: صحابه- واقع گردیده، و باور دارند که آنها در آن

^۱ بخاری (۳۶۵۱)، و مسلم (۲۵۳۳)، از حدیث عبد الله بن مسعود رضی الله عنه نقل نموده اند.

مسایل در جستجوی حق بودند، پس کسی که از آنها به حقیقت رسید برای وی دو اجر، و کسی که در اشتباه بود برای او یک اجر داده می شود.

و کسانی از اهل بیت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را دوست دارند که بر وی صلی الله علیه وسلم ایمان داشتند ؛ و با اونها محبت می کنند ، همچنان مادران مومنان؛ همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم دوست می دارند، و از همه شان ابراز رضایت می کنند. و از روش روافض بی زاری می جویند، آنانی که صحابه کرام رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را بد می بینند، به آنها دشنام می دهند، و در مورد اهل بیت غلو می کنند، آنان را از جایگاه که الله متعال برای شان مشخص نموده بالاتر می برند، همچنان از عملکرد نواصب نیز بیزاری می جویند، آنان که توسط گفتار و عملکرد شان اهل بیت را اذیت می کنند.

پس این چیزی که یاد آور شدیم، همهء آن شامل عقیده درست است؛ آن عقیده که الله متعال رسولش محمد - صلی الله علیه وسلم - را با آن فرستاده است، و این عقیده است که باور داشتن به آن، تمسک و پایداری بر آن، و دوری از هر چه که مخالف آن می باشد، واجب است، و این عقیده گروه نجات یافته اهل سنت و جماعت هستند، آن گروهی که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در باره آن فرموده است: «گروهی از امت من همچنان بر حق پیروز خواهند ماند - کسانی که آنها را یاری نکنند، به آنان ضرری رسانده نمی توانند - تا اینکه امر الله متعال فرا رسد، در حالی که آنها بر همین حالت هستند»،^۱ و در روایت: «گروهی از امت من - در حال پیروزی - بر

^۱ تخریج مسلم (۱۹۲۰)، از حدیث ثوبان رضی الله عنه.

حق باقی خواهند ماند»،^۱ و پیامبر علیه الصلاة والسلام فرموده است: (یهود به هفتاد و یک گروه تقسیم شدند، و نصارا به هفتاد و دو گروه تقسیم شدند، و این امت به هفتاد و سه گروه تقسیم خواهند شد، همه این گروه ها در آتش اند، بجز یک گروه، صحابه کرام گفتند: آن کدام گروه است؟ فرمودند: آنان که راه من و صحابه من را تعقیب می کنند).^۲

عقاید نقیض عقیده درست

کسانی که از این عقیده منحرف هستند و بر ضد آن هستند، اقسام زیادی اند؛ برخی از آنها: پرستش کننده گان بت ها، مجسمه ها، فرشته گان، اولیاء، جن، درختان، سنگ ها و غیره هستند. این ها کسانی هستند که دعوت پیامبران را اجابت نکردند، بلکه دست به مخالفت شان زدند و با ایشان برخورد ضدی کردند، طوری که قریش و گروه های عرب با پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وسلم - کردند؛ آنها از معبودان خویش بر آوردن تقاضاها و شفای بیماران و پیروزی بر دشمنان طلب می کردند، و برای آنها قربانی و نذر می کردند، هنگامی که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ایشان را از همچو عبادت منع نمود و ایشان را به عبادت خدای یگانه امر نمود، شگفت زده شدند و انکار کردند و گفتند:

^۱ تخریج ابن ماجه (۳۹۵۲)، از حدیث ثوبان رضی الله عنه، و تصحیح ابن حبان (۶۷۱۴)، و حاکم (۸۶۵۳).

^۲ تخریج ترمذی (۲۶۴۱)، از حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنه، و مناوی در فیض القدیر (۳۴۷/۵) گفته است: "در سند آن عبدالرحمن بن زیاد افریقی است، ذهبی گفته است: او را ضعیف گفته اند"، و تصحیح البانی در صحیح الجامع (۵۳۴۳).

﴿أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ﴾

ترجمه: (آیا معبودان (متعدد) را معبود واحد ساخته است؟ البته که این چیز بسیار عجیب است). [ص: ۵].

او - صلی الله علیه وسلم - به دعوت ایشان به سوی الله و بیم دادن آنان از شرک ادامه دادند، و حقیقت آنچه به آن دعوت می کردند برای آنها بیان نمود، پس برخی از آنان را الله هدایت نمود، که بعد از آن گروه گروه در دین الله متعال داخل شدند، و دین الله متعال بر همه ادیان ظهور کرد بعد از دعوت متواصل و جهاد طولانی از سوی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ، و صحابه کرام - رضی الله عنهم - و کسانی که به نیکی راه آنان را پیموده اند. سپس اوضاع تغیر نموده و جهالت بالای اکثریت مخلوق غلبه نمود؛ پس بیشتر مردم به دین جاهلیت برگشتند، در مورد پیامبران و اولیاء با دعا کردن و استغاثه نمودن به آنان، و انجام دیگر انواع شرک، غلو کردند، و معنای لا اله الا الله را ندانستند؛ طوری که معنای آنرا کافران عرب دانستند، الله المستعان.

از آن وقت بدینسو این شرک میان مردم در حالت گسترش است تا عصر که ما در آن زندگی می کنیم ، این به سبب غالب شدن جهل و دور شدن از زمانه نبوت می باشد.

شبهه این متاخرین عین شبهه متقدمین است، و آن عبارت از این گفتارشان است که:

﴿...هَؤُلَاءِ شَفَعُونَا عِنْدَ اللَّهِ...﴾

ترجمه: (اینها شفاعت کنندگان ما نزد الله هستند...) [یونس:

۱۸]، و قول ایشان:

﴿...مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى...﴾

ترجمه: (... ما آنان را عبادت نمی کنیم مگر برای آنکه ما را به الله نزدیک کنند...) [الزمر: ۳]. الله متعال این شبهه را باطل نموده، و بیان داشته است که هر کس غیر او را پرستش نماید، هر که باشد، به تحقیق به او شرک ورزیده و کافر شده است، چنانکه الله متعال می فرماید:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعُونَا عِنْدَ اللَّهِ...﴾

ترجمه: (و اینها غیر از الله چیزهایی را می پرستند که به آنان نه زیانی می رسانند و نه نفعی به آنان می رسانند، و می گویند: اینها شفاعت کنندگان ما نزد الله هستند...) [یونس: ۱۸]. الله متعال پاسخ ایشان را این چنین ارایه نمود:

﴿قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (۱۸)

ترجمه: (بگو: آیا الله را به چیزی که در آسمان ها و در زمین (به وجود آن) علم ندارد، خبر می دهید؟ او پاک و برتر است از آنچه با وی شریک می سازند (۱۸) [یونس: ۱۸].

الله متعال درین آیه بیان نموده است که پرستش غیر او اعم از پیامبران، اولیا و دیگران شرک بزرگ است، اگر چه انجام دهنده گان آن به نام های دیگر آن را مسمی کنند، و او تعالی می فرماید:

﴿...وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى...﴾

ترجمه: (و کسانی که به جای او دوستانی گرفته‌اند (می گویند): ما آنان را عبادت نمی‌کنیم مگر برای آنکه ما را به الله نزدیک کنند.) [الزمر: ۳]. سپس الله متعال پاسخ ایشان را این چنین ارایه نمود:

﴿...إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾

ترجمه: (البته الله میان آنها درباره چیزی که در آن اختلاف می‌ورزند، فیصله خواهد کرد، یقیناً الله دروغگوی ناشکر را هدایت نمی‌کند.) [الزمر: ۳].

او ذات پاک بدین وسیله روشن ساخت که پرستش دیگران با تضرع و خوف و امید و امثال آن به او کفر است، و از همه دروغترین سخنان شان این است که معبودهای شان آنان را به الله نزدیک می‌سازند. و از عقاید کفری که در مخالفت با عقیده درست و آنچه پیامبران علیهم السلام با آن آمدند، عقیده برخی از ملحدان درین عصر است کسانی که پیروان مارکس و لینین و غیر از آنها از کسانی که به بی دینی و کفر مردم را دعوت می‌نمایند، برابر است که پیروان فکر سوسیالیستی و یا کمونستی او یا بعثی و یا غیر آنها به هر نامی که باشند فرق نمی‌کند، چون از اساسات عقیده این ملحدان این است که الله نیست، و زندگی عبارت از ماده است.

و از اصول و اساسات ایشان انکار برگشت، جنت، دوزخ، و کفر ورزیدن بر همه ادیان است و کسی که در کتابهای شان بنگرد و عقاید

شان را تحت مطالعه قرار دهد از عقاید شان با خبر می شود ، و شکی نیست که این عقیده در مخالفت با همه ادیان آسمانی قرار دارد، و (این عقیده) سرنوشت پیروان خویش را به بدترین عواقب در دنیا و آخرت سوق می دهد.

و از جمله آن عقایدی که با حق در مخالفت قرار دارد، عقیده برخی از اهل تصوف است؛ برخی از این ها به این باور اند که اولیاء با الله متعال در تدبیر سهمگیر هستند، و در امور جهان تصرف می کنند، و آنها را به اقطاب و اوتاد و غوث ها و نامهای دیگر می نامند، که خودشان برای معبودان خویش اختراع نمودند، و این شرک در ربوبیت است، و از بدترین انواع شرک به الله متعال می باشد.

و هرکس در شرک پیشینیان اهل جاهلیت تامل نموده و آن را با شرک رایج در میان متأخرین مقایسه کند؛ در می یابد که شرک متأخرین بزرگتر و زشتتر است، و بیان آن قرار ذیل است: کفار عرب در جاهلیت با دو چیز متمایز بودند: امراول: آنها در ربوبیت شرک نمی ورزیدند، و شرک شان تنها در عبادت بود؛ آنها به ربوبیت برای الله عز وجل یکتا اعتراف داشتند، طوری که او سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَلَّيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ...﴾

ترجمه: (و اگر از آنها بپرسی چه کسی آنان را آفریده است؟ حتماً می گویند: الله...) [زخرف: ۸۷]. الله متعال می فرماید:

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣١﴾﴾

ترجمه: (بگو: (به مشرکان) کیست که از آسمان و زمین به شما روزی میدهد؟ یا کیست که مالک گوش و چشم‌ها است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و کیست که مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و کیست که امور (عالم) را تدبیر (و حکم خود را در آن تنفیذ) می‌کند؟ (در جواب) خواهند گفت: «الله»، پس بگو: آیا (از الله) نمی‌ترسید). [یونس: ۳۱]. و آیت‌ها در این معنا زیاد است.

امر دوم: اینکه شرک آنان در عبادت همیشگی نبود، بلکه تنها در حالت راحت و آسایش بود، اما در حالت سختی در عبادت به الله اخلاص داشتند، طوری که الله متعال می‌فرماید:

﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾

ترجمه: (و هنگامی که سوار کشتی شوند، الله را خالصانه و مخلصانه به دعا می‌خوانند، ولی چون آنان را به خشکی رسانده نجات دهد، ناگهان شرک می‌ورزند). [العنکبوت: ۶۵].

اما مشرکان این عصر، از دو جهت بر مشرکان قبلی افزوده اند: جهت اول: شرک بعضی شان در ربوبیت. جهت دوم: شرک آنان در حالت رفاه و مصیبت است، چنانکه این را کسی میداند که با آنها نشست و برخاست داشته و از احوال شان باخبر است، و دیده است آنچه را که انجام میدهند نزد قبر حسین و بدوی و دیگران در مصر، و نزد قبر عیدروس در عدن، و هادی در یمن، و ابن عربی در شام، و شیخ عبد القادر جیلانی در عراق، و مانند آن از قبرهای مشهور که مردم عوام در آن غلو کردند، و بسیاری از حقوق الله عز وجل را به این قبرها دادند، و بسیار اندک است کسانی که بالای شان انکار کنند

و حقیقت توحید را برای شان بیان کنند؛ آن توحیدی که الله متعال پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم، و قبل از او پیامبران دیگر علیهم الصلاة والسلام را با آن فرستاده اند، فإنا لله وإنا إليه راجعون.

از جمله عقایدی که با عقیده درست در باب اسما و صفات در تضاد قرار دارد؛ عقاید اهل بدعت از جهمیه و معتزله و کسانی که راه آنان را در انکار صفات الله متعال دنبال می کنند، و از صفات کمالی که برای الله سبحانه ذکر شده است انکار می کنند، و او ذات والا را به صفات معدوم و جامده و آنچه که در حق او ناممکن است توصیف می کنند، او تعالی از سخنان شان منزّه است و در فاصله دور و دراز آن قرار دارد.

این شامل کسانی می شود که: برخی صفات را نفی و برخی را اثبات می کنند؛ چنانکه این عقیده اشاعره است، و اینها در مورد صفاتی که ثابت کرده اند، به همان چیزی ملزم می شوند که از آن در صفاتی که نفی کرده اند، فرار نموده اند، و دلایل آن را تأویل کرده اند، پس با این کار با دلایل سمعی و عقلی مخالفت کرده اند، و در این مورد تناقض آشکار داشتند.

و اما اهل سنت والجماعت: برای الله متعال آنچه را ثابت ساختند که خودش برای خود ثابت ساخته است، و یا رسول گرامی وی محمد صلی الله علیه وسلم برای او از اسماء و صفات به وجه کمال ثابت ساخته باشد، و او را از تشبیه کردن با مخلوقات اش منزّه ساختند، تنزیهی خالص از تعطیل، پس آنها بر همه دلایل عمل نمودند؛ نه تحریف کردند و نه هم تعطیل، و از تناقضی که دیگران در آن افتادند، سالم ماندند.

و این راه نجات و نیکبختی در دنیا و آخرت است، و این همان جاده راستی است که سلف و ائمه این امت آنرا پیموده اند، و آخر این امت

اصلاح نمی شود مگر توسط آنچه اوایل را اصلاح نموده و او پیروی از قرآن و سنت است و ترک هر آنچه مخالف هر دوی آن است. از الله متعال می خواهیم که امت را به عقلش برگرداند، و دعوت کننده گان را در بین آن بیفزاید، و زعماء و علمای آن را توفیق مبارزه با شرک بدهد تا بتوانند شرک را نابود ساخته و از وسائل آن برحذر دارند... او ذات شنوا و نزدیک است. الله متعال توفیق دهنده است، و او برای [محافظت از] ما بس است و بهترین [مراقب و] کارساز است، ولا حول ولا قوة إلا بالله. وصلى الله وسلم على عبده ورسوله، نبينا محمد وآله وصحبه.

prs۳۹۷۷ ۴,۰- ۲۰۲۶/۰۷/۰۴



رسالة الحرمين

پیام الحرمين

محتوای راهنما برای زیارت کنندگان مسجدالحرام و مسجدالنبی به زبانهای مختلف

